

## بزرگ‌نمایی نقش بیگانگان در نهضت تحریم تنباکو و تأثیر آن بر تاریخ‌نگاری نهضت

ابوذر مظاهری\*

### چکیده

نهضت تحریم تنباکو در شرایطی به‌وقوع پیوست که میان دو قدرت استعماری روس و انگلیس رقابت شدیدی بر سر ایران در جریان بود. انگلیس و روس هرکدام به میزان اهداف و منافعشان با نهضت تحریم تنباکو مرتبط بودند. انگلیس صاحب‌امتیاز رژی بود و روس که تلاش می‌کرد به‌منظور محدودسازی نفوذ انگلیس و احیای نفوذ از دست‌رفته خود مانع از به نتیجه رسیدن امتیاز رژی شود. این زمینه باعث شده برخی تحلیل‌گران نقش زیادی برای این رقابت در نهضت تحریم قائل شده، تا جایی که برخی نهضت تحریم را طرح مشخص و از پیش طراحی شده روس‌ها قلمداد می‌کنند. سؤال اصلی تحقیق این است که آیا رقابت روس و انگلیس در ایران به میزانی بوده که بتوان واقعاً تحریم تنباکو را محصول آن دانست؟ آیا اساساً نهضت تحریم تنباکو به نحوی که اتفاق افتاد، می‌توانست اهداف و منافع روسیه را در تقابل با انگلیس تأمین کند. در این مقاله تلاش شده با روش تحلیلی - تاریخی و به تکیه بر اسناد و منابع دسته اول، ابتدا کیفیت و کمیت این رقابت مورد بررسی قرار گیرد و میزان واقعی نفوذ روسیه مورد ارزیابی قرار گیرد و سپس با نگاه انتقادی به بررسی دیدگاه‌هایی بپردازد که نهضت تحریم تنباکو را برنامه روس‌ها برای تضعیف انگلیس معرفی می‌کنند.

### واژگان کلیدی

امتیاز رژی، نهضت تحریم، رقابت روس و انگلیس، توهم توطئه، اصالت نهضت.

\*. عضو هیئت علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام و مدرس گروه معارف انقلاب اسلامی.  
aboazar.mazahero@chmail.ir  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۳  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۴

## طرح مسئله

یکی از نقش‌های پرابهامی که به راحتی نمی‌توان سهم واقعی آن را در جنبش علیه امتیاز «رژمی» مشخص ساخت، نقش کشورهای بیگانه و رقابت میان روسیه و انگلیس است. در این مقطع تاریخی، روابط بسیار پیچیده‌ای میان این دو قدرت استعماری بر سر ایران در جریان بوده است. روسیه و انگلیس دو قدرتی بودند که بعد از جنگ‌های ایران و روس که یکی به صورت مستقیم و دیگری غیرمستقیم پیروز میدان جنگ محسوب می‌شدند، تمام توان خود را در جهت نفوذ و سلطه بر ایران به کار گرفتند. ایران مغلوب، به میدان اصلی کشمکش و تضاد منافع این دو قدرت بیگانه تبدیل شده بود. میزان نفوذ هریک از این قدرت‌ها در طول دوران سلطنت قاجار به یک میزان نبوده است. بلکه بسته به عوامل مختلف از جمله تحولات داخلی آن کشورها، تغییر سیاست‌های خارجی و شخصیت سفیران آنان و میزان زیاده‌خواهی‌ها و در مقابل میزان حساسیت ایرانی‌ها کم‌وبیش می‌شده است. در برخی دوره‌ها انگلیسی‌ها دست‌برتر داشتند و در برخی مقاطع روس‌ها. برای نمونه لرد کرزن در کتاب *ایران و قضیه ایران*، تغییر موازنه قدرت میان روس و انگلیس را در سال‌های قبل از نهضت تحریم، می‌نویسد:

روسیه تا حدود زیادی وضعی ممتاز و قدرتی سرشار و ابهت بسیار در دربار ایران برای خود دست و پا کرده است - همان مزایای عمده‌ای که در اوایل این قرن، خاص انگلستان بوده است - زیرا که به عقیده من این تحول و انتقال که رقیبان ما حق دارند بر خود از این بابت ببالند در عوض اینکه زمینه مشروعی جهت آزرده‌گی و ملال باشد، وضع و حالی است که سیاست خود ما که از جهت پی‌ریزی و تکوین سست و از بابت نتایج، نکبت‌بار و نادرست است، سبب واقعی آن بود است. (کرزن، ۱۳۸۰: ۶۹۹)

به‌طور کلی روس‌ها در روش اعمال سیاست‌ها بر خلاف انگلیسی‌ها با صراحت بیشتر و همراه با خشونت و فشار سخت‌تر عمل می‌کردند، در حالی که انگلیسی‌ها در گسترش نفوذ، اعمال سیاست‌ها و أخذ امتیازها با زیرکی و بدون شتاب‌زدگی عمل می‌کردند. رقابت میان این دو قدرت هم به نحوی بود که به ندرت یکی از طرفین می‌توانست امتیازی کسب کند، بدون آنکه طرف مقابل امتیاز دیگری را به دست نیاورده باشد. حکومت ایران هم با استحضار نسبت به این موضوع سعی می‌کرد از روس‌ها برای مهار انگلیسی‌ها و از انگلیسی‌ها برای مهار روس‌ها استفاده کند.

معمولاً این شرایط و این شکل از روابط و رقابت باعث می‌شود تحولات کشورهای تحت نفوذ به گونه‌ای رقم بخورد که نتوان به سهولت سهم جریان‌های داخلی و خارجی را در آنها به صورت مستقل و شفاف مشخص نمود. به همین دلیل در تحلیل تحولات این کشورها شاهد نوعی

یک‌سویه‌نگری هستیم. برخی به برجسته‌سازی عوامل خارجی بدون توجه به عوامل داخلی تمایل دارند که از آن به نظریه توطئه نیز یاد می‌شود و برخی نیز بدون توجه به عوامل خارجی تنها بر عوامل داخلی تکیه می‌کنند. این دو رویکرد به‌خوبی نمی‌توانند تحولات این کشورها را تجزیه و تحلیل کنند. در این کشورها عوامل خارجی و داخلی چنان درهم‌تنیده هستند که کمتر موضوعی را می‌توان سراغ گرفت که خالی از بعد خارجی یا داخلی باشد. به‌ویژه وقتی این شرایط پیچیده‌تر می‌شود که جریان‌های داخلی و خارجی تلاش می‌کنند با آگاهی یا بدون آگاهی از ظرفیت یکدیگر برای پیشبرد اهداف استفاده یا سوءاستفاده کنند. حتی گاهی با اغراض سیاسی بزرگ‌نمایی‌ها و کوچک‌نمایی‌هایی در نقش هر یک از جریان‌های داخلی و خارجی صورت می‌گیرد که به پیچیدگی فهم این روابط و نسبت‌ها می‌افزاید.

جان فورن نظریه‌پرداز انقلاب و تحلیلگر تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی در کتاب *مقاومت شکننده* با همین معضل و پیچیدگی مواجه شده است. وی در ابتدای تحقیق خود در این باره می‌نویسد:

در ایران یک باور شایع وجود دارد که خارجیان بر همه دگرگونی‌های عمده‌ای که در تاریخ معاصر کشور روی داده، نفوذگذار بوده و حتی خود عامل ایجاد دگرگونی‌ها بوده‌اند. (فورن، ۱۳۸۲: ۲۲)

وی معتقد است برخی تاریخ‌نگاران و محققان غربی «نظریه وابستگی» را به‌دلیل اینکه به این «افسانه به‌ظاهر مردمی و خام» مرتبط می‌شود، رد می‌کنند؛ اما می‌شود یک «هسته عقلانی» پشت این باور قائل شد. فورن البته معتقد نیست که «غرب باعث همه تغییرات» بوده باشد، بلکه می‌خواهد بگوید «مجموعه پیچیده و متغیری از روابط میان بازیگران و ساختارهای داخلی و خارجی تا حد زیادی عامل شکل‌های خاصی است که تغییر اجتماعی در طول تاریخ به خود می‌گیرد». هدف وی این است که «از نقش عمده غرب در ایران ارزیابی واقع‌بینانه‌ای به عمل آید و این نقش با ارزیابی کامل نقش‌های به همان اندازه مهم بازیگران ایرانی موازنه می‌شود، بازیگرانی که به هیچ‌رو نمی‌توان آنها را قربانیان ساده یا شاهدان منفعل تاریخ کشور خویش دانست». نتیجه این بحث هم از نظر وی آن است که بگوییم «یک هسته عقلانی در پشت درک مردمی [عوامانه] وجود دارد هرچند هسته مزبور دستخوش تحریف و اغراق‌گویی شده و از زمینه گسترده مردمی‌اش جدا شده باشد». (فورن، ۱۳۸۲: ۲۳ - ۲۲)

در موضوع این تحقیق یعنی بررسی نقش واقعی روس و انگلیس در نهضت تحریم نیز با معضل پژوهشی جان فورن و با پیچیدگی مشابه آن روبه‌رو هستیم. در نهضت تحریم تنباکو نیز مانند دیگر

تحولات تاریخ معاصر ایران شاهدیم که جریان‌های مختلف هریک با اهداف و اغراض خاص در این جنبش حضور دارند. هرکدام از جریان‌های داخلی و خارجی دارای روابط پیچیده میان خود و در ارتباط به دیگری هستند. انگلیسی‌ها تلاش می‌کنند امتیاز را حفظ کنند و از طریق آن یک نفوذ پایدار در ایران برای خود ایجاد کنند. از طرف دیگر روس‌ها از تمام ظرفیت‌ها داخلی و خارجی برای جلوگیری از شکل‌گیری چنین نفوذی استفاده می‌کند و تمام تلاش خود را برای لغو این امتیاز به کار می‌گیرد؛ جریان‌های داخلی نیز برخی نفعشان در باقی ماندن امتیاز و برخی در لغو آن است.

علاوه بر این روابط و مناسبات جریان روحانیت و مرجعیت شیعه نیز با شکل خاصی از روابط مصحلت اسلام و ایران را مدنظر دارد و سعی می‌کند از میان این شبکه روابط درهم‌تنیده عبور کند و مقصود خود را محقق کند. همین تفاوت اهداف و تضاد منافع باعث شده جبهه مخالفین و موافقین امتیاز یکدست نباشد و تحلیلگر در هر طرف با طیفی از افراد مواجه می‌شود که در ظاهر با همنام اما در واقع هریک اهداف خود را دنبال می‌کنند.

این پیچیدگی زمانی بیشتر می‌شود که در میان جریان‌های خارجی یکی از قدرت‌ها - انگلیس - به دلیل اغراض سیاسی سعی کند نقش رقیب خود - روسیه - را در تحولات پررنگ‌تر و بزرگ‌تر نشان دهد. در این صورت ابتدا بایستی میزان این بزرگ‌نمایی و به عبارتی ابعاد این تحریف و جعل را مشخص کرد و بعد کلاف پیچیده روابط را باز کرد و این معادله را ساده ساخت.

بنابراین در ادامه ابتدا تا حدی که ممکن است سطح نفوذ انگلیس در دوران نهضت تحریم مشخص می‌شود و بعد از آنجا که تعیین سهم روسیه بستگی به میزان بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی انگلیسی‌ها دارد به نقد و بررسی سهم روس‌ها از زبان انگلیسی‌ها پرداخته می‌شود و در پایان تأثیر این بزرگ‌نمایی بر تاریخ‌نگاری نهضت نشان داده شده و مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱. سطح نفوذ انگلیس در ایران در دوران نهضت تحریم

انگلیسی‌ها نفوذ کشورشان را در ایران در زمان فتحعلی شاه قاجار در سطح مطلوبی ارزیابی می‌کنند. اما این نفوذ کم‌کم روبه افول می‌گذارد تا اینکه به تعبیر لرد کرزن، تا سال ۱۸۸۵ م چند سال قبل از امتیاز رژی به پایین‌ترین حد خود رسیده بود و می‌رفت که به‌طور کلی از بین برود. درحالی‌که در این مدت نفوذ روسیه روزبه‌روز زیادتر می‌شد. اما از ۱۸۸۵ م با روی کار آمدن سر.آ. نیکلسون که تا ۱۸۸۸ کاردار سفارت بود و بعد از او هم بیشتر در زمان «جانشین شایسته و ممتازش سر. دروموند ولف و سر. فرانک لاسل طی شش سال اخیر به جهت و اهتمام ایشان نفوذ انگلستان تجدید و به‌نحوی که

از عهده فتحعلی شاه سابقه نداشته به تقویت وضع ما در آنجا منجر گردیده است». (کرزن، ۱۳۸۰: ۷۲۳)  
 از نظر وی تجدید نفوذ انگلیس «یکی به دلیل اشتباهات تاکتیکی رقیبان ما و دلیل دیگر پی بردن واقعی خود ایرانیان به چگونگی سیاست بریتانیا، ولی بالاتر از همه ناشی از انرژی درخور ستایش و نفوذ سرشار وزیر مختار اخیر انگلیس در ایران، سر. دورموندولف بوده است». (همان: ۷۴۰)

سیاست انگلیس در دوران نهضت تحریم را به‌خوبی می‌توان براساس افکار و مواضع سفیر این کشور در این دوره شناخت. وزیر مختار انگلیس در این دوره سر. هنری درآموندولف بود که در آوریل ۱۸۸۸ به ایران آمد. ولف پیش‌تر سفیر انگلیس در قاهره و بانی امتیاز انحصار پنبه از طریق بانک در آنجا بود. ولف که بعدها در زادگاه خویش به «پدر امپریالیسم» مشهور شد. می‌کوشید ایران را به‌سوی «لیبرالیسم اقتصادی» بکشاند. یعنی دولت ایران آزادی دادوستد را به رسمت بشناسد و به تأمین و تضمین این آزادی برآید. ناصرالدین شاه در پی درخواست ولف، فرمانی را که در رمضان ۱۳۰۳ به ولیعهد مظفرالدین میرزا نوشته بود، دوباره مطرح کرد. که در آن تأکید شده بود جان و مال مردم از دست‌درازی و تعدی در امان است و هرکسی آزادانه می‌تواند به برپایی شرکت‌هایی برآید که پایه تمدن و آبادی است. همگان می‌توانند بدون هیچ پروایی در کل ممالک محروسه ایران، کمپانی و یا نهادهای دیگری در جهت راه‌سازی، صنعت و کارسازی سرمایه‌ها تأسیس کنند. مگر نهادهایی که خلاف عرف و شرع باشند. ولف ترجمه این فرمان را به لندن فرستاد. (ناطق، ۱۳۷۳: ۱۹)

هدف ولف از پیگیری لیبرالیسم اقتصادی در ایران به میدان آمدن سرمایه‌گذاران ایرانی بود که بتوانند پوششی باشند برای سرمایه‌گذاران اروپایی. لذا وی در پی این فرمان پای سرمایه‌داران انگلیسی را به ایران باز کرد و سعی کرد شرکت‌ها و کمپانی‌های صاحب‌امتیاز در پوشش سرمایه‌داران و تجار ایرانی فعالیت کنند. تا هم صدای مخالفان را بخواباند و هم تجار و حکام محلی را راضی نگاه دارد و به این قرارنامه‌ها چهره ملی ببخشد. (همان: ۲۱)

ولف مدتی بعد از ورود به ایران «ژرژ رویتر»، پسر «بارون ژولیوس دو رویتر» را به ایران آورد تا به تجدید یا تغییر قرارنامه راه‌آهن ۱۸۷۲ که به گفته اعتمادالسلطنه «هنوز معلق» بود، برآید. (همان: ۱۹)  
 وی همچنین در دوازدهم شعبان ۱۳۰۶ هـ. ق (۱۸۸۹ میلادی)، مقدمات سفر سوم ناصرالدین شاه را به اروپا را فراهم ساخت. در تمامی دیدارها از شاه و همراهان می‌خواستند تا امتیازی اقتصادی با دولت بریتانیای کبیر برقرار سازند. ولف یکی از دوستان خود به نام «سرگرد جرال تالبوت» که از مشاوران و نزدیکان لرد سالیسبوری، نخست‌وزیر انگلیس بود را به ناصرالدین شاه معرفی کرد. تالبوت خود را به هیئت ایرانی نزدیک کرد و اطلاعات گسترده‌ای درباره توتون و تنباکوی ایران

به‌دست آورد و بعد از مذاکرات لازم متوجه شد با پرداخت مقداری رشوه به اطرافیان شاه می‌توان امتیاز انحصار توتون و تنباکو را به‌دست آورد.

ولف امتیاز بانک (رویتر دوم) کارون، راه آهن و تنباکو را به‌هم پیوند زده بود. «هم‌زمان با بسته شدن امتیاز کارون به گفتگو بر سر امتیاز بانک رویتر نشستند که می‌رفت جانشین قرارنامه راه آهن شود و دادوستد تنباکوی رژی را بر عهده گیرد. ولف بر آن بود که بانک را به‌مثابه یک نهاد پایه و در همکاری با رژی تنباکو و قرارنامه راه‌وترابری به‌کار اندازد. گفته بود «امتیاز بانک بدون امتیاز کارون پذیرفتنی نیست» دولت انگلیس زحمات او را بازشناخت. در گرماگرم داستان رژی، وزیر خارجه انگلیس به جانشین او نوشت: «ولف برای آبادانی ایران بسی مایه گذاشت. بانک شرق، گشایش کارون و انحصار تنباکو» هم از برکت همت اوست. (همان: ۲۴)

بوتزوف سفیر روسیه گفته بود «اگر امتیاز تنباکو در میان نبود» امتیاز جنگل هم سر نمی‌گرفت. (همان: ۳۵) «اما خطر بزرگ بانک شاهی در این بود که به‌مثابه یک نهاد مادر به امتیازهای بی‌شمار دیگر جان داد. از جمله به امتیاز تنباکو که شاید به‌عنوان نیاز عمومی، یکی از کم‌زیان‌ترین امتیازها بود. به‌هرحال بانک شاهی سرطان‌وار بر تمام آب و خاک کشور دست انداخت. خیالش این بود که از راه اقتصادی ایران را همانند مصر به تحت‌الحمایگی بکشاند. انگلیسی‌ها همچون «ولف» می‌دانستند که دوران استعمار سیاسی و قشون‌کشی سر آمده است و می‌بایست نخست ایران را به جامعه مصرفی غرب تبدیل کرد، راه را بر مدنیت و دانش بست و آنگاه خودبه‌خود راه را بر حاکمیت سیاسی گشود». (همان: ۳۴ - ۳۳)

البته انگلیسی‌ها این اهداف را چنان در پوشش خیرخواهی و اصلاح‌طلبی دنبال می‌کردند، که تا قبل از نهضت تحریم و بعد از آن تا قبل از قرارداد ۱۹۰۷ م، انگلیس در نظر رجال ایران همچون دوستی خیرخواه و بلکه برادری بزرگتر تلقی می‌شد.

کرزن در کتاب *ایران و قضیه ایران* این خیرخواهی را در تقابل با نگاه روسی چنین بیان می‌کند که «بنابر آنچه بیان کردم شاید عیان شده باشد که دولت تزاری در ایران سیاستی خصمانه و هدف تجاوز دارد. اینک امید است بتوانم نشان بدهم که سیاست انگلیس، وضعی درست معکوس دارد و همواره نیز همین وضع را خواهد داشت. فقط سی‌وپنج سال از زمانه‌ای می‌گذرد که کشور ما با شاه فعلی در جنگ بود و آن پیش آمد به‌طوری فراموش شده است که شاید نهمم مردم انگلیس این

۱. هارولد نیکسون معتقد است لرد کرزن «عهدنامه ۱۹۰۷ انگلیس و روسیه را قربانی کردن سنت آسیایی ما به پای ضرورت‌های دیپلماسی اروپایی تلقی می‌کرد، و این خیانت به آن اعتمادی بود که ایرانیان به مدت نیم‌قرن به دوستی بریتانیا داشتند». (نیکلسن، ۱۳۸۰: ۱۱۰)

دوره ما، از وقوع آن بی‌اطلاع باشند. استقبال درخشانی که دوبار از شهریار کنونی در انگلستان شده است و شرح و بسط وافی که جراید ما این روزها راجع به ایران دارند و با مراقبت سرشاری که به دیپلماسی ما در آن کشور در انگلستان توجه می‌شود و سیروسفر سرمایه‌داران و تجار ما در سواحل جنوبی آن سرزمین شواهدی از علاقه جدید و یا درواقع تجدید علاقه نیست به ترقی و آبادانی آن مملکت و عنایت به این معنی است که هستی هر دو کشور ما نیک به هم پیوسته است. هیچ‌کاری نارواتر از این نیست که علاقه انگلستان را به‌جای تفکر درباره این سرزمین و اهالی جالب توجه آن از نظر انزوا و کناره‌جویی بنگریم». (کرزن، ۱۳۸۰: ۲ / ۷۲۰ - ۷۱۹)

در جریان نهضت تحریم یکی از نگرانی‌های بزرگ انگلیسی‌ها این بود که این چهره خیرخواهانه مخدوش شده است. چنان‌که در گزارش نماینده انگلیسی آمده: «من از آن بیم دارم که این امتیاز تنباکو، در برانگیختن احساس خصومت‌آمیز نسبت به انگلیسی‌ها که تا این اواخر بی‌گمان عده زیادی از مردم اینجا آنان را دوست ایران و کاملاً بی‌غرض می‌شمردند، تأثیر فراوان کرده باشد. اکنون به‌هر تقدیر مردم با بدگمانی چنین می‌اندیشند که انگلیسی‌ها درصددند رومشان و سپس رفته‌رفته خودشان را به شیوه‌ای زیرکانه بر آنان تحمیل کنند و چنین می‌نماید که عقیده آنان نسبت به انگلیسی‌ها تغییر فاحشی یافته باشد و هر نوع نسبت پستی به آنان داده می‌شود.» (کدی، ۱۳۸۵: ۱۰۷) جالب اینکه وی در ادامه به نقش بسیار تأثیرگذار عالمان دینی بر جامعه اشاره می‌کند و با ناامیدی از اینکه ناصرالدین شاه بتواند این وضعیت را به نفع انگلیسی‌ها اصلاح کند، می‌نویسد:

... ظاهراً مردم تا وقتی از جانب مجتهدان حمایت می‌شوند هیچ واهمه‌ای از ناصرالدین شاه ندارند. این‌طور که دولت در اینجا ناتوان به‌نظر می‌رسد، تصور اینکه در چنین شرایطی کار چگونه پیش خواهد رفت، دشوار است. از سوی دیگر چنانچه ناصرالدین شاه تسلیم شود، درحکم آن خواهد بود که قدرت فائقه مجتهدین را به رسمیت بشناسد، چون من اقناع شده‌ام که همه‌چیز به آنان بستگی دارد. (کدی، ۱۳۸۵: ۱۰۷)

گویا انگلیسی‌ها عامل اصلی به‌وجود آمدن این وضعیت را علما می‌دانند اما خودشان هم نمی‌خواهند با اعتراف به این موضوع «قدرت فائقه مجتهدین» را به رسمیت بشناسند. بنابراین بهترین راه این است که روس‌ها را مقصر معرفی کنند تا شاید بتوانند امتیازی هم در قبال این مظلوم‌نمایی از ناصرالدین شاه بگیرند. به‌نظر می‌رسد برهمن اساس است که کنسول انگلیس در مشهد در گزارش محرمانه‌ای می‌نویسد «نیازی به گفتن نیست که ریشه بیشتر وقایعی که در اینجا روی داده دخالت روس‌ها بوده است. .... ابتدا تمام گفتگوی مردم درباره تنباکو بود ولی آنها رفته‌رفته

همه احساسات مخالفت‌آمیز خود را متوجه انگلیس کردند که به آنها گفته شده بود درصدد است به بهانه تجارت، ایران را تصرف کند، همچنان که هندوستان و مصر را تصرف کرده است. این تخم لق را اولین بار چند نفر از ترک‌های قفقاز تبعه روسیه، شکسته بودند». (همان: ۱۲۱)

در مجموع می‌توان گفت تا پیش از نهضت تحریم روابط انگلیس با ایران در بهترین وضعیت قرار داشت و تا این زمان بیشترین امتیازات و بیشترین نفوذ را در ایران به‌دست آورده بود. در مقابل روسیه بر خلاف بزرگ‌نمایی‌های انگلیس دورانی را به‌سر می‌برد که از کمترین نفوذ برخوردار بود. در ادامه به این موضوع بیشتر پرداخته می‌شود.

#### الف) بزرگ‌نمایی انگلیس درباره نقش روس در تحولات ایران معاصر

متأسفانه درباره میزان واقعی نفوذ روسیه در ایران با اطلاعات مخدوش و شاید ساخته‌شده‌ای مواجه هستیم. احتیاط روس‌ها در انتشار اسناد هم تا اندازه‌ای به این مشکل افزوده است. همچنین از برخی اسناد برمی‌آید که روس و انگلیس تا اندازه‌ای تمایل داشتند خطر یکدیگر را بزرگ جلوه دهند و نفوذ و دخالت یکدیگر را در اقدامات و تصمیمات حکومت ایران بزرگ‌نمایی کنند و به این بهانه باج‌گیری بیشتری از حکومت ایران داشته باشند. این مسائل باعث شده نتوان به روشنی میزان نفوذ انگلیس و روس را در ایران مشخص ساخت.

دو قدرت انگلیس و روس کارشکنی‌ها و بدخواهی‌ها را درباره ایران به یکدیگر نسبت می‌دهند و هریک دیگری را مقصر اصلی عدم پیشرفت برنامه‌های اصلاحی و به‌طور کلی عدم ترقی ایران می‌دانند. در این میان دستگاه تبلیغاتی انگلیسی‌ها علیه روسیه بسیار زیرکانه‌تر و مؤثرتر عمل می‌کرد.

لرد کرزن در کتاب *ایران و قضیه ایران* بدون اینکه به خسارت‌هایی که خودشان به‌بار آورده‌اند و نیز اغراضی که پشت عمران‌گری و اصلاح‌خواهی ظاهری خود داشته و دارند اشاره کند، می‌نویسد: «دولت روسیه راجع به اصلاحات داخلی ایران جداً مورد اتهام است و آن دولت ... در قبال هرگونه پیشنهاد و اقدام اصلاحی در کار این سرزمین عقب‌مانده و گرفتار، ایستادگی و مقاومت نموده است. می‌توان به‌درستی اظهار نظر کرد که در نفوذ تمدن غرب و توسعه راه‌ها و کشیدن خط آهن و درهم‌شکستن سنت‌های بی‌پهوده قدیم چه پیشرفت و تسریعی نصیب می‌شده است، اگر روسیه نفوذ قاطع و مساعی خویش را در این خصوص به‌کار می‌برده است و - این یکی خود اتهامی بس عظیم است - باید گفت که هیچ طرح و کاری در جهت تقویت ایران و بسط بی‌طرفانه ثروت آن به‌میان نیامده است که از طرف حکومت تزار با مخالفت و مقاومت بسیار مواجه نشده باشد. این موضوع شایان توجه است که اولین امتیاز کمپانی رویتر به سال ۱۸۷۲ از آن جهت محکوم به فنا شد که

روس‌ها در حین سفر همایونی به اروپا که سال بعد اتفاق افتاد از این بابت به او در سن پترزبورگ ترش‌رویی نمودند ... در مورد تأسیس بانک شاهنشاهی ایران در سال ۱۸۸۹ هیچ‌گونه معاضدتی از ناحیه آنها به عمل نیامد. بلکه برعکس پیوسته کارشکنی آن دولت مشهود بود». (همان: ۲ / ۷۱۵ - ۷۱۴)

در اینجا قدم فراتر نهاده با علم به اینکه می‌دانم چه می‌گویم تکرار می‌کنم که طی بیست سال اخیر هیچ طرح و پیشنهادی برای اصلاح اقتصادی و مادی ایران به‌میان نیامده است که روسیه با آن مخالفت نموده باشد و یا در اثر سرسختی دولت تزاری از بین نرفته باشد. (همان: ۷۱۶)

علاقه واقعی حکومت تزاری رهایی و نجات ایران نیست، بلکه باید زنجیر انقیاد هرچه سخت‌تر بر گردنش جایگزین و استوار شود.

نیکی کدی در کتاب *تحریم تنباکو* درباره ادعای پیش‌گفته به آثاری اشاره می‌کند که معتقدند انگلیس از این ادعاها سوءاستفاده می‌کرده و خود در عقب‌ماندگی ایران سهم کمتری نداشته است. وی می‌نویسد: موضوع ممانعت روس‌ها از توسعه اقتصادی ایران، مکرراً در اسناد انگلیسی و آثار کم‌اهمیت‌تر نقل شده است. بارزترین نمونه آن، قرارداد محرمانه ۱۸۹۰ مربوط به راه‌آهن است که ده سال بعد تجدید شد، این قرارداد که میان مقامات روس و ایران به انجام رسیده بود، مقامات ایرانی را ملزم می‌ساخت که برای دو دوره ده ساله متوالی از ایجاد راه‌آهن خودداری ورزند. درحالی‌که تا به‌حال در مورد کارشکنی انگلیسی‌ها در اسناد و آثار کمتر سخن رفته است. اسناد وزارت خارجه انگلیس نشان می‌دهد که وزارت خارجه از فقدان راه‌آهن در ایران که معمولاً روس‌ها به‌علت آن سرزنش می‌شوند، بیش از آنکه ناراضی باشد خشنود بوده است و فرختلینگ در کتاب خود نشان می‌دهد که وزارت خارجه از دعوی رویت‌ر درباره غرامت در سال‌های ۱۸۷۲ تا ۱۸۸۹ به‌منظور ممانعت از اعطای امتیازات دیگر و به‌خصوص امتیاز راه‌آهن بهره‌برداری کرده و دعوی سابق رویت‌ر را پیش کشیده است. نیکی کدی می‌گوید:

تعبیر فرختلینگ در این مورد شاید ساده به نظر بیاید، ولی دعوی اغراق‌آمیزی را که درباره علاقه انگلیسی‌ها نسبت به پیشرفت ایران ابراز شده، زیر سؤال می‌برد. (کدی، ۱۳۵۸: ۱۷۵)

نمونه دیگر امتیاز رویت‌ر است که در آثار انگلیسی عامل اصلی لغو این امتیاز روس‌ها معرفی می‌شوند. چنان‌که لرد کرزن در کتاب *ایران و قضیه ایران* می‌نویسد:

این موضوع شایان توجه است که اولین امتیاز کمپانی رویت‌ر به سال ۱۸۷۲م از آن جهت محکوم به فنا شد که روس‌ها در حین سفر همایونی به اروپا که سال بعد اتفاق افتاد از این بابت به در سن پترزبورگ ترش‌رویی نمودند. (کرزن، ۱۳۸۰، ۷۱۵)

و در جای دیگر می‌نویسد:

مخالفت خشم‌آمیز و بسیار شدید دولت روس و ... ضدیت سرسخت عناصر ارتجاعی در خود ایران (باعث شد) به محض بازگشت شاه از سفر اروپا بهانه بی‌اساس آسانی پیدا شد و امتیازنامه ملغی گردید. (کرزن، ۱۳۸۰: ۸۷۱)

این در حالی است که به قول نیکی کدی «در این مورد حتی در میان کسانی که به میزان وسیعی بر همان اسناد وزارت خارجه انگلیس تکیه می‌کنند، اختلاف نظر وجود دارد. مثلاً فرختلینگ در کتاب یادشده صفحات ۵۲۸ - ۵۲۷ اهمیت مخالفت روس‌ها را انکار می‌کند». (کدی، ۱۳۵۸: ۱۷۵)

این قضاوت لرد کرزن درباره قدرت روسیه و نقش آن در لغو امتیاز رویتز مربوط به زمانی است که از نظر لرد کرزن دوران انفعال سیاست خارجی انگلیس است. در حالی که از سال ۱۸۸۵ که ولف روی کار می‌آید این شرایط کاملاً تغییر کرده و نفوذ انگلیس بسیار افزایش پیدا کرده بود. لذا قضاوت وی درباره سطح نفوذ روس در آستانه نهضت تحریم تنباکو متفاوت است. وی تحت‌عنوان «نفوذ روسیه» می‌نویسد:

در حینی که با حیرت و خشنودی از نفوذ قابل ملاحظه کشور خود در ایران اطلاع حاصل نمودم تأثیر قدرت روسیه را با وجود تفوق سرشار طبیعی او کمتر از آنچه به این جانب وانمود کرده بودند یافته و دریافته‌ام وزیران ایران از اخم و نهیب نماینده همسایه شمالی باکی ندارند و روی هم‌رفته دیپلماسی روسیه به هیچ‌وجه قرین کامکاری نبوده است و اگر چنانچه باید و شاید پادشاه مورد حمایت باشد نیک قادر خواهد بود که به خواسته‌های دوست گرامی خود سرکار تزار جواب رد بدهد. (کرزن، ۱۳۸۰: ۲ / ۷۴۱)

بنابراین با نظریه زیر که آقای اورسول فرانسوی در کتاب خویش تقریر کرده است به هیچ عنوان موافقت ندارم که ناصرالدین شاه نایب‌السلطنه‌ای از جانب تزار به‌شمار می‌رود. فرمانروای حقیقی ایران آن نیست که در ارگ تهران مقرر دارد، بلکه وزیر مختاری است که اقامتگاه او در کنار ارگ (پامنار - م) نزدیک بازار است. و همچنین با عقیده هم‌وطن خود دکتر ویلز که نوشته است، نفوذ ما در ایران بر اثر قصور خودمان به حداقل رسیده است. ... در نظر ایرانیان انگلستان نام و عنوانی شده است و روسیه مظهر قدرت، آن هم قدرتی مورد اعتنا و سهمگین. اتباع روسیه مورد حمایتند، ولی سرنوشت انگلیسی‌ها با خداست. گروهبان روسی به تمرین دادن افراد نظامی سرگرم است و تأثیر وجود کشور او بسیار، اما اثری از قدرت انگلستان دیده نمی‌شود و از تجارت او فقط شبحی باقی مانده و محکوم

به پستی شده است.» لرد کرزن در نقد این دیدگاه می‌نویسد:

من از تاریخ تحریر این کلمات اطلاعی ندارم، اما نارواتر از این حرف و بیان برای مشوب کردن اذهان نمی‌توان یافت. (کرزن، ۱۳۸۰: ۲ / ۷۴۲)

نقد کرزن به غلوهای اورسول فرانسوی و دکتر ویلز را می‌توان با اسناد دیگری تقویت کرد. به تعبیر نویسنده کتاب روس و انگلیس در ایران، روابط امین‌السلطان با روس‌ها تا مرحله دشمنی آشکار به وخامت گراییده بود. بوتزوف (وزیر مختار جدید روسیه) او را به جهت تمایلات انگلوفیلی شاه و به سبب خودداری دولت ایران از همکاری با سفارت روس ملامت می‌کرد. همچنین وی در مذاکرات دهم ژانویه ۱۸۹۲ در پاسخ بوتزوف که گفته بود: اعتماد تزار نسبت به دوستی شاه تزلزل یافته است. سابقاً اعلی‌حضرت شاه راضی به شنیدن اندرز روسیه بود اما در این اواخر ظاهراً با آن دولت مخالف شده و فقط در صدد جلب رضایت انگلیس است، می‌گوید شاه نیز به‌نوبه خود از روسیه سلب اعتماد کرده است و این کار تعجبی ندارد زیرا عمال روس علی‌الرؤس الاشهاد اعلام کرده‌اند که روسیه می‌خواهد این مملکت را تصرف کند. (کاظم‌زاده، ۱۳۷۱: ۲۴۹ - ۲۴۸)

به‌هرحال انگلیسی‌ها خوب می‌دانستند که از این ابزار چگونه و در چه مواقعی استفاده کنند. به قول محمود محمود انگلیسی‌ها از سال ۱۸۱۵ میلادی (۱۲۳۰ ق) به بعد عمداً سوءظن نسبت به دولت ایران به‌خاطر روس، دوستی را رواج می‌داده است و دولت ایران به هر طریقی که از انگلیس‌ها استقبال می‌نمود دولت انگلیس باز در همان سوءظن خود باقی بوده و نشد و لو یک‌بار هم باشد صاف و ساده با ایران معامله کنند. یگانه شاهد، همان سوانح تاریخی است که بعدها به مرور در ایران افتاد. به جرأت می‌توان گفت روس‌ها بهانه بودند و بیشتر این صدمات که در این اوقات به ایران وارد آمده همه را به جرم روس‌دوستی به ایران وارد آوردند، عنوان هم این بود که دولت ایران با روس‌ها نزدیک شده و دوستی صمیمانه و یگانگی بین ایران و روس برقرار می‌باشد. (محمود، ۱۳۷۸: ۱ / ۲۳۶ - ۲۳۵)

البته این سیاست روس‌هراسی گاه از سوی برخی صاحب‌نظران انگلیسی هم مورد انتقاد قرار می‌گرفت. آنها معتقدند این بزرگ‌نمایی‌ها و به تعبیر آنها بی‌تابی‌های بی‌اساس به سود انگلیس تمام نخواهد شد، بلکه موجب بهره‌برداری ایرانی‌ها از این ترس و هراس خودخواسته می‌شود. کرزن در جایی به مناسبت اشاره به مسافرت اول شاه به لندن، از کتاب *سرچارلز مکگریگور* که در باب خراسان نوشته است، شاهد می‌آورد که من تصور نمی‌کنم پذیرایی ما از پادشاه ایران به یک نتیجه برسد و یا از آنها فایده مترتب شود. زیرا ایرانی‌ها خود می‌دانند که ما از روس‌ها در وحشت و از آنها در اضطراب می‌باشیم و این را مثل یک مسئله سیاسی تصور می‌کنند. پذیرایی‌هایی که با آن شوق و ذوق در

لندن از شاه ایران به عمل آمد تمام اینها باعث شد که در انظار ایرانی‌ها به مقامات شاه افزوده شود اما حقیقت مطلب این است که ما در مقابل خطر روس خیلی بی‌تابی می‌کنیم و سعی می‌کنیم ایران در طرفداری ما ثابت بماند. مخصوصاً در موقعی که خطر روس نزدیک می‌شود ما دولت ایران را در مقابل به قیمت‌های زیادی به طرفداری خود داشته باشیم. من برای این نوع خیالات و نظریات جز تأسف فوق‌العاده چیز دیگری نمی‌توانم اظهار کنم. (همان: ۴ / ۱۵۷۳)

به نظر می‌رسد مقامات ایرانی به خوبی توانسته بودند از این روس‌هراسی که انگلیسی‌ها ایجاد کرده بودند، به نفع منافع ملی استفاده کنند. چنان‌که در اواخر دوره قاجار عده‌ای از شاهزادگان قاجاری که برای چانه‌زنی بر سر احمد شاه به انگلیس رفته بودند، طی ملاقاتی با مدیر کل امور شرقی وزارت خارجه انگلیس شنیده بودند که او گفته بود، ما دیگر با این خانواده که در طول صدوپنجاه سال ما را با روس‌ها همیشه در یک متری جنگ قرار داده بود، نمی‌توانیم کار بکنیم. (مکی، ۱۳۶۲: ۲۴۳)

دیورند وزیر مختار انگلیس که در سال‌های پس از نهضت تحریم به جای لسلز به ایران آمده بود،<sup>۱</sup> در یک ارزیابی مفصل از اوضاع ایران و طرح انتقادهای متعدد درباره دیدگاه سفارت انگلستان در ایران نسبت به دربار و روس‌ها نوشته است: «ما در نظر ناصرالدین شاه مهاری هستیم برای روس‌ها و روس‌ها از بسیاری جهات به‌نحوی عجیب از ما هراسان‌اند. هیچ‌گونه احساس حقارتی در کار نیست، اگرچه در واقع قدرت حقیقی در دست روس‌ها است». (کاظم‌زاده، ۱۳۷۱: ۲۷۱)

#### ب) تأثیر بزرگ‌نمایی انگلیس درباره نقش روس‌ها بر ذهنیت ایرانیان

به‌نظر می‌رسد مهم‌ترین هدف انگلیسی‌ها در بزرگ‌نمایی قدرت روس‌ها و میزان نفوذ آنها شکل دادن به افکار ایرانی‌ها علیه روسیه بوده است. اینکه روس‌ها بزرگ‌ترین دخالت‌کننده در امور کشورشان هستند و مانع اصلی در مسیر اصلاحات و ترقی ایران به‌شمار می‌روند. این ذهنیت علاوه بر اینکه سیاست‌مداران را دچار بدفهمی کرده، تاریخ‌نگاری ایرانیان را نیز تحت تأثیر قرار داده و آنها را در تحلیل وقایع دچار اشتباه کرده است. در اینجا تلاش می‌کنیم این تأثیرپذیری را در تحلیل واقعه تحریم تنباکو نشان داده و مورد نقد و بررسی قرار دهیم.

از میان سیاست‌مداران ایرانی امین‌السلطان یکی از مصادیق روشن تأثیرپذیری از این سیاست انگلیسی است. وی که تا قبل از نهضت تحریم، گرایش انگلیسی داشت، هرگونه اختلال و کارشکنی

۱. وی از مأموران انگلیسی - هندی بود که در دستگاه سرفردریک رابرتس در جنگ دوم انگلیس و افغانستان به‌عنوان منشی سیاسی خدمت کرده و در وزارت خارجه هندوستان به مقام معاونت وزارت رسیده بود.

در جریان سیاست‌های انگلیس در ایران را پیش و بیش از هر چیز به روس‌ها نسبت می‌داد و همین روحیه باعث شد وی اولین کسی باشد که مدعی شد روس‌ها در پشت پرده جنبش تنباکو عاملیت اصلی دارند و ابراهیم صفایی تحت تأثیر همین نوع گزارش‌های امین‌السلطان به شاه و نماینده انگلیس است که می‌نویسد:

از محتوای مندرجات بعضی از اسناد به‌خوبی دانسته می‌شود که در غوغای رژی سررشته تحریکات در دست روس‌ها بوده است. (صفایی، ۱۳۵۳: ۸۷)

چرخش سیاسی امین‌السلطان بعد از واقعه تحریم و روس‌فیل شدن ناگهانی وی از جمله اولین آثار و نتایج این سیاست انگلیسی بود. اما روشن نیست این چرخش یک چرخش واقعی و ناشی از مقهور شدن وی توسط روس‌ها یا یک چرخش صوری و نمایشی بوده است. احتمال دوم قوی‌تر است، از آنجاکه انگلیسی‌ها در واقعه تحریم ضربه سختی خوردند و یک‌باره خود را هدف خشم و غضب ایرانی‌ها دیدند، سیاست انگلیسی اقتضا می‌کند در این‌گونه مواقع از نظرها دور شوند و اهداف خود را پیش پرده دنبال کنند. سوق دادن امین‌السلطان به سمت روس‌ها و به ظاهر بریدن از انگلیس، به‌خوبی می‌توانست آنها را از کانون توجه ایرانی‌ها دور کند. و به اصطلاح با یک تیر دو نشان بزنند. هم امین‌السلطان با امتیاز دادن به روس‌ها تا اندازه‌ای موجب دلگرمی آنها شود و هم توجهات را به‌ویژه بعد از شکست در نهضت تحریم از انگلیسی‌ها برگرداند و متوجه روس‌ها کند.

حاکم شدن چنین ذهنیت غلوآمیزی درباره نقش و نفوذ روسیه و انعکاس آن در اسناد به‌طور طبیعی حوزه تاریخ‌نگاری را تحت تأثیر قرار داده است. بنابراین می‌بینیم در برخی منابع تاریخی، نقش روس‌ها در تحولات، بسیار غیرواقعی تصویر شده و آنها همچون یک روح فراگیر که در همه‌جا هستند و در هر جا به تناسب نیروهای عمل‌کننده دارند، شناخته می‌شود. در ادامه به نمونه‌هایی از این تأثیرپذیری اشاره می‌شود:

۱. مصحح کتاب *تاریخ نگارستان* می‌نویسد: دولت روس این قرارداد [امتیاز رژی] را مخالف سیاست خود می‌دانست از این‌رو طلاب قفقازی که در سامرا در اطراف میرزا بودند، مخصوصاً شیخ علی لنکرانی که از دانشمندان آن روزگار بود! میرزا را بر تحریم واداشت، مخفی به او گفته بود که اگر فتوا دهد، دولی هستند که از فتوای شما حمایت می‌کنند از این‌جهت روس رسماً در تأیید فتوای میرزا بسیار در ایران کوشید و گرنه محال بودی که به فتوای میرزای شیرازی آن مردم افسار دریده به این زودی فرمان‌برداری نمی‌کردند. (غفاری کاشانی، ۱۳۴۰: ۴۹۴)
۲. یحیی دولت‌آبادی نیز در کتاب *حیات یحیی* که از منابع دسته اول تاریخ مشروطه به‌شمار

می‌رود تحت تأثیر بزرگ‌نمایی همین عوامل پشت پرده که به سختی می‌توان نقش واقعی آنها را مشخص کرد، تلاش کند وسایل و وسایط این عامل نامرئی را هم جور کند. چنان که نزاع قدرت میان کامران میرزا و امین‌السلطان را مهم‌ترین ابزار اجرای سیاست مخالفت روس علیه امتیاز معرفی می‌کند. وی به رغم اینکه به‌درستی معتقد است امتیاز تنباکو کفه سیاست انگلیس را نسبت به سیاست روس در ایران، بلکه در آسیای میانه سنگین‌تر کرد و این مسئله روس‌ها را به تکاپوی شدید علیه این امتیاز انداخت، لکن در تبیین سیاست روس دستاویزهای ضعیفی را پیش می‌کشد و می‌نویسد:

روس‌ها از این رقابت داخلی استفاده کرده کامران میرزا را به برانگیختن هر وسیله برای برهم‌زدن امتیاز مزبور وادار می‌نماید. آنگاه شاه را هم به‌همین وسیله و وسیله‌های دیگر باطناً از کرده خویش پشیمان می‌سازند. (دولت آبادی، ۱۳۷۱: ۱ / ۱۰۷ - ۱۰۶)

کامران میرزا علاوه بر منافع خصوصی که شاید در این مخالفت نمودن دارد غلبه بر خصم را هم غنیمت شمرده پای بعضی از روحانیان و اشخاص کارکن را از تجار و غیره به‌میان آورده در زیر یک پرده نازک که او خود دیده نشود به عملیات مخالف می‌پردازد. کامران میرزا، میرزا آقا حسن آشتیانی را که بر دیگر روحانیون تقدم علمی دارد، با خود همراه می‌کند و او به هر وسیله هست در سامره به گوش حاج میرزا حسن شیرازی که رئیس اول روحانیان مذهب جعفری است، می‌رساند .... کامران میرزا آقا میرزا حسن را بر آن وامی‌دارد که آشکارا بر ضد رژی اقدام نماید یعنی بر ضد دولت، و مسلم است که آقا میرزا حسن تا اطمینانی از میل باطنی شاه نداشته باشد، جرأت نمی‌کند به چنین کار بزرگ اقدام نماید. در این ایام نگارنده در حوزه درس آقا میرزا حسن حاضر می‌شوم همه‌روزه پیش از شروع به درس میرزا شرحی راجع به این کار برای طلاب بیان نموده مضرت‌های این امتیاز را آن‌طور که دستور به او داده‌اند شرح می‌دهد و ضمناً می‌گوید دوست می‌دارم پرده نازکی که میان دولت و ملت باقی مانده است برداشته نشود و با رعایت ادب و احترام موفق به برهم‌زدن این امتیاز بگردیم و این پرده نازک شاید همان پرده‌ای باشد که به روی دورویی شاه و نایب‌السلطنه در مقابل انگلیسیان و صدر اعظم کشیده بوده است ... بالجمله افکار عمومی برای یک اقدام عملی حاضر می‌شود. بالأخره حاج محمد کاظم ملک‌التجار که مردی متهور و جسور است و با نایب‌السلطنه و میرزای شیرازی محرمیت دارد فتوایی به امضای میرزای شیرازی منتشر می‌کند. سلسله حوادث درنهایت به لغو امتیاز منتهی می‌شود و در نتیجه کامران میرزا بر امین‌السلطان یا سیاست روس بر انگلیس غالب آمده بار ادای قرض رژی به گردن دولت گذارده می‌شود. (دولت آبادی، ۱۳۷۱: ۱ / ۱۱۰ - ۱۰۸)

۳. مجدالاسلام کرمانی در تاریخ انحطاط مجلس در تحلیل واقعه تحریم پس از بررسی عوامل

مختلف و کنار گذاشتن آنها در نهایت به این قضاوت می‌رسد که عقیده عامه سیاسیون این است که ابطال امر کمپانی مزبور فقط به واسطه رقابت روس‌ها بوده با انگلیس‌ها و چون این امتیاز را شاه مرحوم در لندن، در سفر اخیر اجازه فرموده و روس‌ها مطلع نشدند، که قبل از شروع جلوگیری کنند، یک‌وقت ملتفت شدند که تیر از شصت و کار از دست رفته و کمپانی به سرعت هرچه تمام‌تر در ایران پیشرفت می‌کند و علاوه از نفوذ تجارتهی نفوذ پولتیکی هم تحصیل نموده و انتظار کافه مردم به آن متوجه است و در هر شهری حتی در مرکز ادارات آنها، محترم و مصون از تعرض حکومت داخلی است و شاید یک ثلث از مردم ایران، یک وقتی به اسم معاونین و حامیان تجارت داخل در حوزه تبعیت و مشمول حمایت انگلیس شوند و رفته‌رفته اسم روس‌ها را هم مردم فراموش نمایند و زحمات چندین ساله آنها به هدر رود. (مجدالاسلام، ۲۵۳۶؛ ۱۴۷ - ۱۴۶)

مجدالاسلام تا اینجا به واقعیت‌هایی اشاره می‌کند که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت، اما در بخش

دوم تحلیل می‌نویسد:

این بود که جداً بر ضد آن کمپانی اقدام کردند و مبالغ کلیه که به اختلاف از یک کرور تومان الی سی صد هزار تومان گفته‌اند در سر این کار خرج کرده‌اند و ملک التجار که از قدیم خود را با آنها بسته بود برای انجام مقاصد آنها اقدام به این امر نمود و در واقع پشتش به حمایت روس‌ها گرم بود و اول کسی که در طهران از حکم شرع اطاعت کرد و استعمال تنباکو و توتون را موقوف نمود، سفارت روس بود که به مجرد انتشار حکم حرمت آنچه قلیان در قهوه‌خانه سفارت بود تمام را شکستند و به تمام اجزای سفارت حتی قراول‌های دم در سفارش کردند که سیگار و چپق نکشند و یکی دو نفر که گاهی سیگار کشیده بودند از سفارت، چوب مفصلی خوردند و اخراج شدند و همان قوه بود که جلو غیظ و غضب شاه را بست و مانع شد از اینکه در جلو اقدامات مردم اظهار شدت و سختی نماید و مسلماً اگر آنها مانع نشده بودند هرگز شاه مرحوم با آن استبداد ذاتی و عادی، به میل مردم تمکین نمی‌کرد گرچه ده هزار نفر هم در میانه کشته شوند! و به‌همین دلیل بعد از آن در هیچ امری ملت برخلاف دولت حرکت نکرد، چراکه محرک نداشتند. (همان: ۱۴۸)

## ۲. نقد و بررسی نگاه غلوآمیز درباره نقش روس‌ها در نهضت تحریم

چنان‌که گذشت نوع رقابت میان روس و انگلیس در ایران و پیچیدگی این روابط باعث شده، تحلیل‌های نادرستی درباره تحولات تاریخ معاصر و نقش بیگانگان در این تحولات شکل بگیرد.

البته تأکید بر اینکه در قضیه رژی درباره نقش روس‌ها بزرگ‌نمایی شده به معنای این نیست که تلاش روس‌ها در مقابله با این امتیاز که پیامدش از نظر آنها سلطه گسترده انگلیس بر ایران بود نادیده گرفته شده است. به‌هرحال روس‌ها که این امتیاز را در جهت مخالف منافع خودشان می‌دیدند طبیعی بود که تمام تلاش خود را علیه آن به کار بگیرند. چنان‌که از همان ابتدا وزیر مختار روسیه طی نامه‌ای رسماً اعتراض خود را نسبت به این امتیاز اعلام و عنوان کرد این امتیاز برخلاف معاهده ترکمنچای و آزادی فعالیت تجاری و بازرگانی اتباع روس در ایران است و حتی پا را فراتر از امتیاز رژی گذاشته و خواستار الغای کلیه امتیازات اخیر اعطا شده به انگلیس و دیگران شد. به قول امین‌السلطان روسیه می‌خواهد قدرت تامه‌ای را که سابقاً در ایران داشته، اعاده کند و سفیر روسیه خواستار است که بدون رضایت و مشورت روسیه هیچ امتیازی به هیچ بیگانه‌ای داده نشود. (کدی، ۱۳۵۸: ۵۰)

مخالفت‌های روسیه و یا ترس از مخالفت آن باعث شد که سفیر انگلیس در تهران از اعطای این امتیاز به یک شرکت بین‌المللی به‌جای یک سرمایه‌دار انگلیسی طرفداری کند. چند هفته، پس از تلگرام مورخ ۵۱ مارس، وی چنین گزارش داد: برای اجتناب از اصطکاک با روسیه، شرکتی که در مورد این امتیاز کار می‌کند، باید بین‌المللی گردد و از سرمایه‌داران فرانسه، آلمان، روسیه و دیگر کشورهای اروپایی دعوت به همکاری شود. (ناطق، ۱۳۷۳: ۸۸)

روس‌ها به‌خوبی درک کرده بودند که امتیاز رژی پوششی است که می‌تواند سلطه انگلیس را تا مستعمره شدن ایران پیش ببرد. به تعبیر سیاست‌مدار کارکنشته و سلیم‌النفس قاجاری میرزا حسین قلی خان نظام‌السلطنه:

رژی که در حقیقت تشکیل سلطنت مقتدره داده بودند ... اگر این عمل دو سال استقرار داشت، بدون زحمت تمام خاک ایران در تصرف مشروع رژی، و مردم فدوی و جان نثار او بودند، و باید دولت حقوق خود را با تملق، از رژی مرکزی دارالخلافه بدون مداخله در عمل حکومت‌ها دریافت نماید. (نظام مافی، ۱۳۶۱: ۱ / ۱۸۸ و ۱۸۹) عباس میرزا ملک‌آرا می‌نویسد:

انگلیسیان هم به ایران آمده مانند دولتی که ایران را فتح کرده باشد به تمام بلاد مأمورین فرستادند. (نوایی، ۱۳۲۵: ۱۱۴)

همچنین مجدالاسلام در تاریخ انحطاط مجلس می‌نویسد: کمپانی مزبور هم اداره بسیار مفصلی و عالی در مرکز و ادارات مفصله در تمام بلاد ایران تشکیل داد و به قدر یک وزارتخانه بلکه به اندازه دولت ایران اجزا و اتباع و مستخدمین اجیر کرد. (مجدالاسلام، ۲۵۳۶: ۱۲۵) طبیعی است که روس‌ها تلاش خود را در جهت مخالفت با این امتیاز انجام دهند و در این جهت به هر وسیله‌ای متوسل شوند.

هم به شاه فشار بیاورند و هم ایادی خود را در جهت مخالفت با امتیاز و یا همراهی با مخالفان بسیج کنند، اما با همه این واقعیت‌ها نبایستی این روابط پیچیده را به راحتی ساده کرد و بدون ملاحظه دیگر واقعیت‌ها روس‌ها را عامل اصلی دانست و این معادله را به این شکل ساده کرد و دل خوش بداریم که علت‌العلل را کشف کردیم. متأسفانه این شتاب‌زدگی در تحلیل است که مورخینی مانند یحیی دولت‌آبادی، مجد الاسلام و دیگران را دچار خطا کرده است.

### ۳. هماهنگ بودن روس و انگلیس در تثبیت سلطه بر ایران

در تحلیل رقابت میان روس و انگلیس اگر چه این نکته قابل‌پذیرش است که روس‌ها به دلیل زیاده‌خواهی انگلیسی‌ها تا جایی بتوانند تلاش خواهند کرد که مانع تحقق اهداف و منافع انگلیس شوند، اما قطعاً آنها در این رقابت به گونه‌ای عمل نخواهند کرد که موجبات قطع ید هر دو بیگانه از ایران فراهم شود.

قاعده رقابت این دو بیگانه در ایران بر این بوده که هرکجا منافع هردو به خطر افتاده، به راحتی با یکدیگر علیه منافع ایران همکاری کنند و این همکاری از زمان جنگ‌های ایران و روس وجود داشته تا قرارداد ۱۹۱۵ که بعد از قرارداد ۱۹۰۷ دوستانه حوزه نفوذ خود را توسعه داده و منطقه بی‌طرف را هم تحت سلطه گرفتند.

قاعده پیش‌گفته در جریان نهضت تحریم جاری بود. چنان‌که وقتی خطر شورش مردم کاخ سلطنتی را تهدید کرد، روس‌ها برای سرکوب نهضت آماده همکاری با حکومت شدند. از این‌رو، در پی اوج و گسترش تظاهرات بر ضد رژیم و حمله مردم به کاخ سلطنتی و خانواده قاجار و شخص نایب‌السلطنه (فرزند ناصرالدین شاه) که حاکم تهران و وزیر جنگ نیز بود - که از دست مرم به شدت کتک خورد - عباس میرزا ملک‌آرا نقل می‌کنند که کلنل روس در تهران چندین بار به نایب‌السلطنه پیغام فرستاد که من و تمام قزاق‌ها با توپ حاضریم. فرمایش چیست تا اطاعت شود. کلنل روس نوشته است که سه‌چهار بار این پیام را برای نایب‌السلطنه فرستادم ولی نایب‌السلطنه غش کرده بود و به هیچ‌وجه جوابی برای من نفرستاد و تا غروب آفتاب، خود و ابواب جمعی من مسلح منتظر ماندیم. (نوایی، ۱۳۲۵: ۱۱۸)

### ۴. خطر طرفداری از مرجعیت شیعه برای منافع روسیه

تحلیل‌هایی که درصددند رابطه مستقیم و متقابلی را در قضیه امتیاز رژیم بین روس‌ها و روحانیت و مرجعیت برقرار کنند، به پیامدهای این تحلیل توجه نمی‌کنند. هم روس و هم انگلیس به‌رغم اینکه

ممکن است بخواهند در هر مسئله‌ای از ظرفیت و نفوذ روحانیت در مردم سوءاستفاده کنند، به مخاطرات آن هم توجه دارند. برای روس‌ها عاقلانه این بود که پای بیگانه‌ستیزی هم‌چون روحانیت و مرجعیت شیعه را به این رقابت باز نکنند. آن هم با تجربه‌ای که در برخورد با مرجعیت شیعه قبل از نهضت تحریم داشتند. روسیه بایستی تلاش می‌کرد در پشت پرده این نهضت از این آب گل‌آلود ماهی خود را بگیرد نه به‌گونه‌ای که موجب ارتقای جایگاه مرجعیت شیعه آن هم در حد و اندازه‌ای که در نهضت تحریم محقق شد، بشود.

جنبش مردم ایران به رهبری علمای دین تنها برای استعمار انگلیس خطرناک نبود، تزارها هنوز تلخی حکم میرزا مسیح مجتهد بر ضد سفارت روسیه و یورش مردم مسلمان به آن سفارت در تهران و کشته شدن چند تبعه روس از جمله سفیر روسیه، گریبایدوف را فراموش نکرده بودند. بنابراین جانب احتیاط را از دست نمی‌دهند و به‌نحوی عمل خواهند کرد که فکر مقابله و برخورد با بیگانه و یا اندیشه تحریم تثبیت نشود. به‌طور طبیعی اگر تحریم به یک رویه و تجربه موفق تبدیل می‌شد به‌طور قطع دامان منافع روسیه را هم می‌گرفت و درواقع حمایت روسیه از مذهبی شدن این نهضت آن هم با ابزار تحریم، بر سر شاخه نشستن و بن بریدن است.<sup>۱</sup> این در حالی است که سه سال قبل از نهضت تحریم، میرزای شیرازی در پاسخ به استفتای شیخ فضل‌الله نوری درباره «حمل اجناس از بلاد کفر به محروسه ایران» حکم به حرمت آن دادند و نوشتند: «البته به هر وسیله‌ای که ممکن باشد رفع این مفسد باید بشود...». (نجفی، ۱۳۹۱: ۸۱ و ۸۲)

بعد از نهضت تنباکو نیز اندیشه تحریم چندبار گریبان روس‌ها را گرفت. چنانچه در سال ۱۳۲۹ ق آیات عظام آخوند خراسانی و میرزا عبدالله مازندرانی، در پی دخالت روسیه در ایران در پاسخ به علمای استرآباد حکم به «حرمت امتعه روسیه» کردند. هم‌چنین در همان سال علمای اصفهان در تعهدنامه‌ای علیه بانک استقراضی روس هم‌پیمان شدند.

نظر به مصالح اسلامی ماها [علما] به‌هیچ‌وجه من‌الوجه طرف معامله با بانک روسی نمی‌شویم و عجالتاً قند و چای روسی را به‌کلی تارک هستیم و شخصاً استعمال نخواهیم کرد.<sup>۲</sup> و نیز از تجاری که ترک معامله با روس و منع خرید و حمل قند، شکر و چاهی و قماش روسی نمودند، حمایت و پشتیبانی کردند. (نجفی، ۱۳۹۱:

۸۶ - ۸۴)<sup>۲</sup>

۱. سعدی: یکی بر سر شاخه بن می‌برید.

۲. تحریم‌های متعدد دیگری هم صورت گرفته است. برای اطلاع از آنها ر.ک: نجفی، ۱۳۹۱: ۱۰۴ - ۷۷.

ترس روس‌ها از جریان تحریم در مهمانی سفیر روس با سفرای دیگر کشورها و صاحب امتیاز تنباکو نیز مشهود است. شیخ حسن کربلایی در تاریخ دخانیه این مهمانی را به تفصیل گزارش کرده است. (ناظم‌الاسلام، ۱۳۶۲: ۱ / ۴۴ - ۴۳)

دکتر فووریه پزشک فرانسوی دربار به رغم اینکه نقش روس‌ها را در مقابله و مخالفت با امتیاز رژی پررنگ می‌داند، اما میان این مخالفت و مخالفت روحانیون و مرجعیت شیعه ارتباطی برقرار نمی‌کند و ظاهراً این نهضت را از جهت مذهبی مستقل و اصیل ارزیابی می‌کند. وی به خلاف برخی دیگر که جنبه مذهبی جنبش را در حاشیه قرار دهند، نقش روس را در حاشیه نقش مذهبی مطرح می‌کند. (فووریه، ۱۳۸۵: ۲۱۶)

##### ۵. آشکار شدن علت‌های اصلی بعد از حکم تحریم

آدمیت در کتاب معروف «شورش بر امتیازنامه رژی» تحلیل نسبتاً جامعی از جنبش تنباکو ارائه می‌دهد. وی به‌رغم تلاش زیادی که در جهت کم‌رنگ کردن انگیزه‌ها و ابعاد مذهبی جنبش به خرج می‌دهد، اما بعد از تحلیل کوتاهی از نقش سیاست خارجی روس نهایتاً نتیجه می‌گیرد که این ملاحظات، ماهیت قضیه اصلی را عوض نمی‌کند. سیاست خارجی علت فاعلی حرکت علیه دستگاه رژی نبود؛ عامل تعیین‌کننده هم نبود گرچه مؤثر بود و بالأخره آن حرکت، اصالت فعلی داشت، حقیقتی که لاسلس روشن‌بین و ارنستین استعمارپیشه هم اعتراف دارند. اما تصور وزیر مختار انگلیس که روس بتواند به تسکین هیجان و خروش مردم کمکی نماید، عین خامی بود». (آدمیت، ۱۳۶۰: ۱۲۳)

نوع برخورد روس‌ها و انگلیسی‌ها با این واقعیت پس از به نتیجه رسیدن مبارزات علیه امتیاز، خود مؤید نقش برجسته رهبری دینی در این نهضت است. آنها اتفاقاً برخلاف برخی تحلیلگران ایرانی، نخواستند و یا نتوانستند واقعیت را نادیده بگیرند و خود را با تصور کاذب از نهضت فریب دهند و تلاش کردند جایگاه رهبری دینی نهضت را به رسمت بشناسند.

پس از پیروزی نهضت، امپراتور روس برای آنکه نظر میرزای شیرازی را به خود جلب کند نامه‌ایی در نهایت ادب همان‌طور که برای پاپ می‌نویسند به مرحوم میرزا می‌نویسد و از اقدام او در موضوع تحریم تنباکو سپاسگزاری می‌کند و ضمناً می‌گوید: «من اوامر شما را در ممالک روسیه نسبت به مسلمانان اجرا می‌کنم و حاضرم برای پیشرفت مقاصد شما در مملکت ایران هر اقدامی بنمایم.» این نامه را سرکنسول روسیه در بغداد به سامره می‌برد که به میرزای شیرازی تقدیم کند. سرکنسول روس در سامره دوسه روز در کشتی توقف کرده و تقاضای ملاقات از میرزا می‌کند ولی

مرحوم میرزای شیرازی از پذیرایی و ملاقات سرکنسول روس عذر خواست و او را به حضور خود نپذیرفت و به بهانه اینکه آداب نامه‌نگاری با امپراتور را نمی‌داند از دادن جواب نیز امتناع کرد و همین قدر پیغام داد که شما از طرف من اظهار امتنان به امپراتور بنویسید. انگلیسی‌ها که ناظر اعمال رقیب خود بودند به همین مضامین نامه‌ایی از طرف پادشاه انگلستان برای ایشان فرستادند و از طریق کنسول خود پیغام دادند که انتظار جواب ندارند و فقط ممنون می‌شوند که میرزای شیرازی دریافت نامه را قبول کند». (تیموری، ۱۳۶۱: ۲۰۵ - ۲۰۴)

نقطه ثقل تحقیقات و مطالعاتی که درباره نهضت تحریم در کشورهای اسلامی و مأمورین دولت‌های مختلف صورت گرفت، شخصیت میرزای شیرازی و درک جایگاه مرجعیت شیعه بود. به گفته وی واقعه تحریم تنباکو در ایران مدت‌ها در ممالک اسلامی نقل هر محفلی بود و روزنامه و مجلات تا چندی درباره این موضوع قلم‌فرسایی می‌کردند و تمام دول به نمایندگان و مأمورین خود در تهران و بغداد دستور دادند شرح احوال میرزای شیرازی را به‌طور مفصل تحقیق و گزارش دهند تا بدانند این شخص بزرگ کیست. (همان)

### نتیجه

برخی تحلیلگران و تاریخ‌نگاران معاصر به دلایل مختلف از جمله کم‌رنگ کردن نقش بیدارگری روحانیت و مرجعیت شیعه در تحولات معاصر ایران سعی کرده‌اند نهضت بزرگ تحریم تنباکو را - که به‌درستی آن را اولین نهضت بیداری اسلامی معاصر ایران باید نامید - نتیجه رقابت میان روس و انگلیس و نقش روحانیت و مرجعیت شیعه را کم‌رنگ و تبعی معرفی کنند. این تلاش مسئله‌ای را به‌وجود می‌آورد که سؤال اصلی این تحقیق را تشکیل داده و آن اینکه سهم واقعی رقابت روسیه و انگلیس در وقوع و پیروزی نهضت تحریم به چه میزان بوده است؟ در جهت پاسخ به این سؤال به نتایج زیر رسیدیم:

۱. به‌رغم پذیرش اجمالی رقابت میان روس و انگلیس، اما جزئیات این رقابت و اینکه سهم هریک از قدرت‌ها به چه میزان بوده، مسلم نیست. بلکه تلاش‌هایی از سوی انگلیسی‌ها در جهت بزرگ‌نمایی نفوذ روسیه صورت گرفته و به‌نظر می‌رسد عکس آن صحیح باشد.
۲. این بزرگ‌نمایی انگلیسی ذهنیت دولتمردان و برخی تاریخ‌نگاران ایرانی را تحت‌تأثیر قرار داده و در داستان امتیاز رژی که این رقابت به اوج خود می‌رسد، روس‌ها را عامل اصلی قیام علیه این امتیاز معرفی کنند.

۳. بررسی‌ها نشان می‌دهد قیام روحانیت و مردم علیه امتیاز رژی به‌رغم اینکه می‌توانست همسو با سیاست‌های روس باشد، اما به‌هیچ‌وجه از روس‌ها نشئت نگرفته و براساس روحیه سیاسی و استعمارستیز روحانیت شیعه و مردم مسلمان به‌وجود آمده است.

۴. وقتی آثار و نتایج نهضت تحریم تنباکو را لحاظ کنیم می‌توان نتیجه گرفت این نهضت به‌هیچ‌وجه تحت کنترل و هدایت روس نبوده بلکه بزرگترین ضربه را به هردو قدرت بیگانه زده است.

### منابع و مأخذ

۱. آدمیت، فریدون، ۱۳۶۰، *شورش بر امتیازنامه رژی*، تهران، پیام.
۲. تیموری، ابراهیم، ۱۳۶۱، *قرارداد ۱۹۰۵ رژی: تحریم تنباکو، اولین مقاومت منفی در ایران*، تهران، کتاب‌های جیبی.
۳. دولت آبادی، یحیی، ۱۳۷۱، *حیات یحیی*، ج ۱، تهران، عطار، فردوسی.
۴. سلیمانی، جواد، ۱۳۸۴، *از نهضت عدالت‌خانه تا مشروطه غربی*، قم، حوزه علمیه قم، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی.
۵. صفایی، ابراهیم، ۱۳۵۳، *اسناد سیاسی دوران قاجاریه ابراهیم صفایی*، تهران، بابک.
۶. غفاری کاشانی، احمدبن محمد، ۱۳۴۰، *تاریخ نگارستان*، بتصحیح و مقدمه و تزیین مرتضی مدرس گیلانی، تهران، حافظ.
۷. فوران، جان، ۱۳۸۲، *مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی*، ترجمه احمد تدین، تهران، چاپ چهارم.
۸. فوریه، ۱۳۸۵، *سه سال در دربار ایران*، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران، نشر علم.
۹. کاظم‌زاده، فیروز، ۱۳۷۱، *روس و انگلیس در ایران ۱۸۱۴ - ۱۹۲۴*، ترجمه منوچهر امیری، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ج ۲.
۱۰. کدی، نیکی آر، ۱۳۸۵، *تحریم تنباکو در ایران*، ترجمه شاهرخ قائم مقامی، تهران، کتاب‌های جیبی.
۱۱. کرزن، جرج، ۱۳۴۷، *ایران و مسئله ایران*، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، ابن‌سینا.
۱۲. کرزن، جرج، ۱۳۸۰، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، علمی و فرهنگی.

۱۳. مجدالاسلام، احمد، تاریخ شاهنشاهی ۲۵۳۶، تاریخ انحطاط مجلس، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
۱۴. محمود محمود، ۱۳۷۸، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی، ج ۱ و ۲، تهران، اقبال، چ ۷.
۱۵. مکی، حسین، ۱۳۶۲، زندگانی سیاسی سلطان احمد شاه، تهران، امیر کبیر.
۱۶. ناطق، هما، ۱۳۷۳، بازرگانان در داد و ستد با بانک شاهی و رژی تنباکو، تهران، توس.
۱۷. ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد، ۱۳۶۲، تاریخ بیداری ایرانیان، به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، آگاه، چ ۴.
۱۸. نجفی، موسی، ۱۳۹۱، اندیشه تحریم و خودباوری، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۱۹. نظام مافی، معصومه و دیگران (به کوشش)، ۱۳۶۱، خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام‌السلطنه مافی، ج ۱، تهران، نشر تاریخ ایران.
۲۰. نوایی عبدالحسین (به کوشش)، ۱۳۲۵، شرح حال عباس میرزا ملک آرا، تهران، انجمن نشر آثار ایران.
۲۱. نیکلسن، هارولد، ۱۳۸۰، آخرین سال‌های زندگی سیاسی لرد کوزن، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.